

درس‌های این انتخابات



مسعود سپهر

جامعه‌شناس سیاسی

انتخابات محصول تجربه چند دهه ساله بشری برای با هم زندگی کردن بهتر مردمان در صلح و آرامش است. اگر از مورد استثنایی حکومت طالبان در میان همه کشورهای جهان بگذریم، هیچ کشوری را بی‌نیاز از انتخابات نمی‌بینید حتی اگر چون کره شمالی بکنفر تنها نامزد انتخاباتی باشد و همه مجبور به شرکت در این مضحکه باشند. نهاد انتخابات در درجه اول برای یک هدف مهم و حیاتی تأسیس شد، حل مسالمت‌آمیز منازعات و اختلاف‌نظرهایی که می‌تواند همزیستی اجتماعی را غیرممکن کند. هر چند رجوع به اکثریت در هر اختلاف، ناظر بر کشف حقیقت نیست، چه‌بسا که اکثریت اشتباه کند. اما این تنها راه حل مسالمت‌آمیز است که فرصت می‌دهد زندگی ادامه یابد و البته باید فرصت دهد که اقلیت به‌شکل مسالمت‌آمیز در دوره‌های بعد بخش بزرگتری را قانع کند و تبدیل به اکثریت شوند. انتخابات یک راه حل عقلایی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی اختلاف‌نظرهاست.

اولین درس این انتخابات آن است که وجود و تداوم نهاد انتخاباتی نقشه مهم است. تنها از مسیر انتخابات امکان ایجاد اصلاحات اجتماعی با کمترین هزینه و بیشترین رضایت میسر می‌شود. حتی سرسخت‌ترین طیف برانداز جمهوری اسلامی هم حداقل در کلام خود گام‌نهایی براندازی موردنظر را با برگزاری یک همه‌پرسی همراه می‌بیند. اگر نهاد انتخابات در جامعه‌ای نباشد، همه‌پرسی هم نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، چون فرهنگش نیست. چرا در ایران انقلاب شد؟ چون رژیم شاه نهاد انتخاباتی را بی‌معنا کرده بود و امکان گذر مسالمت‌آمیز وجود نداشت. من گناه این را هم به گردن رژیم گذشته می‌اندازم که اجازه نداد نهاد انتخاباتی وارد فرهنگ عمومی جامعه شود و حرمت رای در آن‌ها پایداری یابد. امروز هم آنها که احترام کسانی که رأی می‌دهند یا رأی نمی‌دهند (اولین حق انتخاب افراد) را پاس نمی‌دارند و با دشمنان، تهمت و برچسب به آنها می‌زنند، در واقع نهاد انتخاباتی را هدف گرفته‌اند و بداند که راه گذر مسالمت‌آمیز به آینده بهتر را بسته‌اند. دومین درس، پذیرش تنوع دیدگاه‌ها در جامعه امروز ماست. نتایج انتخابات نشان می‌دهد که حدود یک‌ششم رأی‌دهندگان به نامزد اصلی اصولگرایان و در همین حدود به اصلاح‌طلبان رأی داده‌اند. در همه انتخابات گذشته حدود یک‌سوم افراد به هر دلیلی تقریباً هرگز رأی نداده و نمی‌دهند و البته در همه‌جا دنیا کم‌پیش همین است. مابقی ظاهراً گروهی هستند که رأی دادن را بی‌فایده یا شاید مضر دانسته‌اند. این ترکیب در آراء باید زنگ خطر را برای ما به صدا درآورد. اینکه بخش بزرگی از مردم در حالی که با بحران‌ها و مصائب بزرگ دست به گریبانند، نهاد انتخاباتی را در حل آنها بی‌اثر بدانند به معنای ناامید شدن و بی‌اعتمادی به مهم‌ترین روش مسالمت‌آمیز حل منازعات است. پایان گفت‌وگوی اول جنگ است.

سومین همیشه به عنوان آرام‌ترین صلح‌جویترین کشور شناخته می‌شود. به‌رغم آنکه دارای بیشترین تنوع قومی و زبانی در میان کشورهای اروپایی است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، اعتماد مردم به نهاد انتخاباتی است. سوسیسی‌ها گاهی تا چندبار در سال بر سر مسائل ساده با درخواست بخشی از مردم فراندوم برگزار می‌کنند. عادت کرده‌اند نتیجه هر چه باشد، به نظر اکثریت تمکین کنند. آنها به نهاد انتخاباتی خود اعتماد و تکیه دارند. در انتخابات اخیر، شنیدن اظهار نگرانی از احتمال دستکاری در آراء مردم امری عادی بود. حضور یک عضو شورای نگهبان در همایش انتخاباتی یک‌نامزد به عنوان سخنران اصلی یا منتسب کردن همان نامزد به امام غائب توسط دیگری بی‌طرفی نهادی متولی انتخابات را به شدت مخدوش می‌کند و به این سادگی از حافظه جمعی پاک نمی‌شود. برای احیای نهاد انتخاباتی باید نماینده همه‌دیدگاه‌ها نامزد داشته باشد و از حقوق یکسان برخوردار گردند. وقتی یک نامزد با دو دستیار پوششی در تلویزیون متعلق به عموم ملت ظاهر می‌شود، دلشوره رأی‌دهندگان طبیعی است. درس سوم این انتخابات ضرورت توجه به امر اخلاقی در سیاست است. ارسطو به‌عنوان پدر علم سیاست، آن را شریف‌ترین فن می‌دانست. انتخابات جایی است که مردم و حاکمان بی‌واسطه روبرو می‌شوند. انتخاباتی که به هر شکل به دروغ، دسیسه و مردم‌فریبی آمیخته شود، مصداق بر سر شاخ نشستن و بن بریدن است. شاید در کوتاه‌مدت حاصلی داشته باشد، اما در ادامه ریشه اعتماد با پشتوانه معلوم باشند، آن حزب برای اعتبار خود در افق بلندمدت اجازه نمی‌دهد بد اخلاقی‌های سیاسی رشد کند و گسترش یابد. در این انتخابات بیش از پیش ضرورت تدوین یک قانون مناسب و نهادسازی سیاسی در خور برای حفظ نهاد انتخاباتی و جلوگیری از رذیلت‌های غیرقابل توجه و هزینه‌های بی‌مورد از همه مهمتر غیبت صداقت و اخلاق در این عرصه را احساس می‌کنیم.

عکس: تیریس گل‌نسانیان

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عدی و احمدزید آبادی • سردبیر: محمدجواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دبلیو)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۰۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌پهن • توزیع: نشر گستر امروز نیون • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



استفاده حداکثری از بستریهای تعاملی

نگاهی به کامپیست و هفتم؛ متن و حواشی آن

آروان کلاذ و دلایل حضورش

آیا حضور دولتی‌ها و رایزنی با آنها مهم‌ترین بخش نمایشگاه بوده؟ چیزی که مشخص است، شرکت‌های حاضر در کامپیست امسال نظر متفاوتی دارند و همین عامل هم سبب شده تا با وجود هزینه‌هایی که حضور در نمایشگاه‌های این چنینی به کسب‌وکار وارد می‌کند، در این دوره حاضر شوند. یکی از شرکت‌هایی که غرفه نسبتاً بزرگ آن با دیوارهای شیشه‌ای آبی رنگ در سالن‌های ۸ و ۹ کامپیست توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد، آروان کلاذ بود. به اعتقاد هستی شهریزفر، معمار ارتباطات این شرکت، با آمدن کرونا و وقایع اجتماعی این سال، تعامل جمعی کسب‌وکارهای نوآور کم‌فروغ شد. او معتقد است که تفاوت اکوسیستم نوآوری با اکوسیستم کسب‌وکاری در «خلق ارزش» است؛ ارزش‌هایی که اکوسیستم نوآوری از یک سو متوجه جامعه و از سوی دیگر متوجه فعالان این اکوسیستم است؛ به کمک محصولات و خدمات فناوریانه دسترسی کاربران نهایی سازمان‌ها و کسب‌وکارها به خدمات آنلاین، گسترده‌تر و با کیفیت‌تر می‌شود و در نهایت به زیست‌بهر بهتر شهروند دیجیتال می‌انجامد، اما پیش از بهتر کردن زیست‌بهر شهروند دیجیتال، این اکوسیستم نوآوری است که نیازمند قدرت بخشیدن و امید بخشیدن است.

شهریزفر می‌گوید: «پیش‌نیاز هر اکوسیستمی بسترسازی برای خلق و نفع مشترک است. هم‌افزایی میان طیف متنوعی از بازیگران که منجر به تکامل جمعی می‌شود. بخشی از این بسترسازی در عرصه‌های قانون‌گذاری، زیرساختی و صنفی تعریف می‌شود و بخشی دیگر در بستریهای تعاملی. شاید بتوان گفت که بستریهای تعاملی و در کنار هم قرار گرفتن بیشتر شرکت‌های نوآور در اکوسیستم فناوری کشور خود کمک‌کننده نقش مؤثرتر و مطالبه‌گری بیشتر در عرصه‌های قانون‌گذاری، زیرساختی و صنفی می‌تواند باشد.» به‌علاوه او معتقد است که نوع دیگری از خلق تعامل، ایجاد گفت‌وگویی بر پایه ارتباط مستقیم مشتری-مخاطب با تولیدکننده محصول یا خدمات نوآورانه است. کامپیست و بستریهای این چنینی در واقع بستر همان گفت‌وگو، تعامل محور، این‌بار در زمین مواجهه کسب‌وکارها با هم و با مشتریان نهایی‌شان است. همچنین به گفته پیر حسینلو، آروان کلاذ به دنبال «توانمندسازی انسان‌ها به کمک فناوری» است. توسعه محصولات فناوریانه ابری برای کمک به کسب‌وکارها و تسهیل خدمات‌دهی آنلاین آنها به کاربران نهایی‌شان حتی در دورافتاده‌ترین و کم‌برخوردارترین نقاط جغرافیایی، فراهم‌آوردن زیرساخت رایگان برای استارت‌آپ‌های نوپا و دانشجویان، حمایت از پروژه‌های متن‌باز، به‌اشتراک‌گذاری رایگان دانش ابری، همچنین توانمندسازی آموزشی نوجوانان و جوانان کمتر برخوردار از مهم‌ترین مأموریت‌های مسئولیت اجتماعی آروان کلاذ است.

تأکید بر ترویج و آموزش

جز هم‌افزایی میان کسب‌وکارهای نوآور که علت حضور کسب‌وکارهایی مانند آروان کلاذ در کامپیست است، فعالیت‌های ترویجی و آموزشی همچنان در اولویت کامپیست، برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان قرار دارد. در این دوره از نمایشگاه، رویدادهای جنبی نمایشگاه مانند کام‌استارز، کام‌پیچ، تینواستارز و کام‌تاکر به قوت خود باقی بودند. در روزهای اخیر نشست‌های مختلفی حول مسائل مبتلابه صنف آئی و استارت‌آپ‌ها برگزار شد؛ از اجنستیک گرفته تا سلامت، رمارازها، صنعت بیمه و... نگاهی به حاضران در این نشست‌ها نشان می‌دهد هر چند احتمالاً عدم تناسب هزینه و دستاورد در این دوره از کامپیست سبب شده برخی شرکت‌ها از حضور در این نمایشگاه سراز زنند، اما همان‌ها هم فرصت حضور در نشست‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آموزشی و ترویجی را از دست نمی‌دهند. البته این مسئله که ترکیب اعضای نشست چگونه مشخص می‌شود نیز در روزهای اخیر به یکی از حاشیه‌های کامپیست تبدیل شده بود. افراد برای داشتن پلتی در کام‌تاکر می‌توانستند با پرداخت هزینه به شکل مستقیم در این بخش حضور داشته باشند. اما عده‌ای به این مدل از اختیار قرار دادن پلت‌ها اعتراض داشتند و معتقد بودند که مدل اسپانسرشی برای حضور در کام‌تاکر شفاف‌تر است. در این میان البته نظر سوسومی هم وجود دارد؛ شاید بد نباشد در دوره‌های بعدی کامپیست همان قدر که تمرکز بر نحوه درآمدزایی از سخنرانی‌ها و پلت‌ها وجود دارد - با در نظر گرفتن این نکته که درآمدزایی از این اتفاق موضوعی مذموم نیست - بر کیفیت مطالب ارائه‌شده در برنامه‌های این چنینی نظارت شود تا هدف آموزش و ترویج در کامپیست به نحوی شایسته‌تر دنبال شود.



امیرا حسینی

خبرنگار گروه فناوری

یکی از بزرگترین نمایشگاه‌های صنف آئی‌تی که در سال‌های اخیر با اضافه شدن بخش‌های جانبی بیش از گذشته رونق گرفته، نهم تیرماه ۱۴۰۲ کار خود را آغاز کرد و ۱۲ تیرماه هم به کار خود پایان می‌دهد. البته این برگزاری، حواشی خاص خودش را داشت؛ نمایشگاهی که جای خاص خود را در جدول نمایشگاه‌ها به خود اختصاص می‌داد، چند سالی است که رفتار تعیین تاریخ برگزاری می‌شود. علت آن در وهله اول شیوع ویروس کرونا بود. بعدتر و با کاهش موج بیماری، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور سال ۱۴۰۰ تصمیم به برگزاری مجدد آن گرفت، اما باز هم چندبار تاریخ برگزاری تغییر کرد؛ از بدشانسی صنف آئی‌تی بود یا بحران چیزی سال‌های اخیر کشور، در هر حال تا به زمان برگزاری کامپیست نزدیک می‌شدیم، اتفاق جدیدی رخ می‌داد که محاسبات را بر هم می‌زد. نتیجه اینکه سال ۱۴۰۰ بدون برگزاری کامپیست به پایان رسید. صنف آئی‌تی امیدوار بود سال ۱۴۰۱ طلسم شکسته شود و کامپیست به تقویم نمایشگاه‌ها برگردد، اما نمایشگاهی که در نیمه ابتدایی این سال امکان برگزاری نیافته بود، در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ هم به دلیل وقوع اعتراضات به حاشیه رفت. سال ۱۴۰۲ باز هم صنف آئی‌تی بخت خود را امتحان کرد و این‌بار تیرماه این طلسم عدم برگزاری شکست.

کسی گمان نمی‌کرد سال ۱۴۰۲ باز هم برگزاری کامپیست با مشکل مواجه شود. از مدت‌ها قبل تاریخش معین شده بود و تقریباً همان زمانی برگزار می‌شد که سال گذشته اتفاق افتاده بود. اما انتخابات پیش‌بینی نشده ریاست جمهوری باز هم اوضاع را برای برگزارکنندگان این نمایشگاه بحرانی کرد. از آنجا که یکی از کارکردهای این کامپیست، بازدید دولتی‌ها از آن و تعامل شرکت‌ها با این افراد بود، برگزاری آن درست‌رو بعد از انتخابات این امکان را از نمایشگاهی‌ها می‌گرفت. کم‌اینکه در این دوره، مراسمی برای افتتاحیه برگزار نشد و تنها عیسی زارع‌پور با حضور خود به رد انتقادات و بیان دستاوردهای وزارت ارتباطات در دولت سیزدهم پرداخت. به‌علاوه همان‌طور که انتظار می‌رفت، انتخابات ریاست جمهوری به مرحله دوم کشیده شد و قرار گرفتن کامپیست میان دو مرحله انتخابات، صنف آئی‌تی را بیش از پیش از کارکرد تعامل با دولتی‌ها دور کرد. اتفاقاً زمان برگزاری رویداد باعث شد نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به فکر استفاده از این بستر بیفتند. در حالی که محمدجواد طرفی به‌بازدید از نمایشگاه کامپیست رفت و در غرفه دیجیتال به انتقاد از فیلترکنندگانی پرداخت که خود فیلترشکن می‌فروشد، سعید جلیلی نیز به دیدار برگزارکنندگان این رویداد رفت و جلسه‌ای را پشت درهای بسته و بدون حضور خبرنگاران برگزار کرد.

هر چند سایر کارکردهای نمایشگاه مانند فعالیت‌های آموزشی و ترویجی و همین‌طور ارتباط با مخاطب همچنان برای شرکت‌کنندگان در کامپیست محفوظ بود، اما از دست رفتن کارکرد تعامل با دولتی‌ها سبب شد برخی از شرکت‌ها عاقلانه خود را نسبت به حضور در این دوره از دست بدهند.

نمایشگاهی با حضور ۵۰۰ شرکت داخلی و خارجی

در هر حال با وجود انتقادها نمایشگاه کامپیست با حضور ۵۰۰ شرکت داخلی و خارجی در ۱۷ سالن برگزار شد. رضا حیدری، دبیر اجرایی نمایشگاه کامپیست در مورد زمان برگزاری نمایشگاه گفته هر چند انتقادها را قبول دارد، اما این تنها زمانی بوده که می‌توانستند نمایشگاه کامپیست را در سال ۱۴۰۳ برگزار کنند. شرکت‌های حاضر نیز تعامل اکوسیستمی و استفاده از ظرفیت‌های ترویجی و آموزشی را دستور کار فعالیت خود در این نمایشگاه قرار داده‌اند. هر چند حضور برخی کسب‌وکارها مانند کسب‌وکارهای رمزازی نسبت به دوره گذشته کاهش داشته، اما در مورد اوضاع شلوغی غرفه‌ها و نمایشگاه نمی‌توان تفاوت مشهودی را گزارش داد. مسئله گرمای هوا و استقبال کم‌رنگ‌تری که به این دلیل اتفاق می‌افتد، معضل کامپیست ۲۶ و کامپیست ۲۷ به صورت نوآمان است و به نظر می‌رسد لازم است ارائه راهکار برای برگزاری این نمایشگاه مهم در زمانی که شرایط آب‌وهوایی مناسب‌تر است، در دستور کار برگزارکنندگان قرار گیرد.

چهره

حمایت علامه موحد از پزشکيان

استاد محمدعلی موحد، پیر مولاناپژوهی و عرفان، سال گذشته ۱۰۰ ساله شد و از این یک سده بیش از نیمی اش را صرف پژوهش کرد، رشته حقوق خوانده و در این حوزه نیز صاحب‌نظر است که شاهدش دو کتاب «درس‌هایی از داوری نفت» و «نفت و مسائل حقوق آن» است. او برای اولین بار توانست مسائل حقوق را وارد متون درسی دانشگاهی کند. این نویسنده شهیر کتاب‌های تاریخی، تصحیح‌ها و تعلیق‌های ارزشمندی هم داشته است؛ از مقالات شمس تبریزی، حدیقه الحقیقه گرفته تا مثنوی معنوی و سلوک المکوک. حال‌که چند روزی به‌دور دوم انتخابات نمانده است، محمدعلی موحد به همراه محمد مجتهدشستری

در پیامی مشترک از مردم برای رأی به مسعود پزشکيان دعوت کرده‌اند. آن‌ها در این پیام گفته‌اند: ما از مسعود پزشکيان بوی صداقت می‌شنویم و در دور دوم هم به او رأی می‌دهیم، از هم‌میهنان عزیز به‌ویژه جوانان دل‌آگاه انتظار داریم که به حساسیت موفق در شرایط خطیر موجود توجه کنند و به‌رغم تلخ‌کامی‌ها و آرزوهای‌هایی که دارند پای از معرکه بیرون نکشند. هم‌شهریان غیور مادر آذربایجان این شعر شهریار را به یاد بیاورند که گفت: هنوز از ماست ایران را اگر روزی فرج باشد.



کتابخانه

به سوی روشنایی

کتاب «چگونه شوستاکوویچ نظر مرا تغییر داد» نوشته‌ی استیون جانسون با ترجمه‌ی امید دادگری در ۱۵۹ صفحه با قیمت ۱۸۰ هزار تومان توسط انتشارات گیلگمش منتشر شده است. استیون جانسون، موسیقیدان، منتقد موسیقی و نویسنده آمریکایی متولد سال ۱۹۵۵ است. از او کتاب‌هایی مانند دوران‌دیشی، ایده‌های خوب از کجا می‌آیند؟، اکتشافات بزرگ، خاستگاه اندیشه و جدیداً چگونه شوستاکوویچ نظر مرا تغییر داد، به فارسی ترجمه شده است. جانسون در این کتاب با نوشتن در مورد شوستاکوویچ، آهنگساز روسی بزرگ سده بیستم، از لذت‌رهای بخش موسیقی گفته است. جانسون



چگونه شوستاکوویچ نظر مرا تغییر داد

نویسنده:

استیون جانسون

مترجم: امید دادگری

انتشارات: گیلگمش

در این کتاب تجربه‌های شخصی خود را از روند بیماری افسردگی‌اش با تفسیر فنی و تاریخ هنر موسیقی شوستاکوویچ پیوند می‌زند و با گفتن این دو روایت به‌هم‌تنیده، مخاطب را با زندگی و آثار این هنرمند آشنا می‌سازد و ویژگی شفافیت هنر و موسیقی را نشان می‌دهد. او در طول این کتاب، خودش و شوستاکوویچ رنج‌کشیده را از دل تاریکی به سوی نور می‌برد.

تاریخ

ترور میرزاده عشقی



۱۰۰ سال پیش در چنین روزی، محمدرضا کردستانی مشهور به میرزاده عشقی، شاعر، نویسنده، نمایشنامه‌نویس و مدیرمسئول روزنامه قرن بیستم و یکی از منتقدان پرشور هیئت حاکمه ایران، به

قتل رسید. بدین ترتیب او به نمادی از شاعر سیاسی و مردمی بدل شد و همواره در پس تحولات سیاسی قرن اخیر ایران، از او به‌عنوان الگوی شاعر اجتماعی طراز نام برده می‌شود. عشقی، با تشکیل حکومت جمهوری که در سال ۱۳۰۲ مورد تبلیغ طرفداران رضاخان قرار گرفت، مقاله‌ای با نام «جمهوری قلابی» موضع خود را علنی کرد. او در نخستین شماره روزنامه کاریکاتور قرن بیستم نیز - که در همان سال دایر کرده بود - چندین کاریکاتور و شعر تند مبنی بر هزل بودن جمهوری و جمهوری خواهان درج کرد. در نهایت شهربانی دستور توقیف روزنامه را صادر کرد و تمام نسخه‌های آن را از سطح شهر جمع‌آوری کرد. عشقی در ۱۲ تیرماه ۱۳۰۲ در خانه خود در ۲۹سالگی ترور شد. یک سال پس از قتل عشقی نیز دیوان عالی تمیز رأی بر برائت قاتل او داد.